

فضای تاریخی عرضه و تبیین معارف دین از سوی اهل بیت علیهم السلام با تأکید بر آموزه‌های روایی  
سید مصطفی مطهری  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۳ - ۱۲۱

## فضای تاریخی عرضه و تبیین معارف دین از سوی اهل بیت علیهم السلام با تأکید بر آموزه‌های روایی

\* سید مصطفی مطهری

**چکیده:** ارائه و تبیین آموزه‌های عمیق شیعه که ریشه در کتاب و سنت دارند، نیازمند بسترهای مناسب است که تحقق آن در ارتباط مستقیم با همسویی یا عدم همسویی عناصر اثرگذار تاریخی یا همان اجزاء سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تأملی بر تأثیر این عناصر بر روند ارائه اجمالی - تفصیلی دستگاه معرفتی شیعه و تبیین آن در دوره‌های مختلف حضور امامان، بدون پیدایش تغییر در مبانی آن، مهر تأیید می‌نهد.

نوشته پیش رو تلاش دارد تا نظریه فوق را به صورت تطبیقی در مورد آموزه امامت، بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام ارائه نماید که در آن، ضمن پاسخ به چرایی برخی پدیده‌های تاریخی معرفتی، چگونگی روند مذکور را پیش از دوران غیبت آن چنانکه منظومه معرفتی اهل بیت علیهم السلام در نهان دارد، نشان دهد.

**کلیدواژه‌ها:** اهل بیت علیهم السلام / امامت / روایات شیعه / عناصر تاریخی / تبیین عقیده / تبیین اجمالی تفصیلی.

Email: S.mostafa12@gmail.com

\*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث.

## درآمد

از حدود یکصد سال پیش تاکنون، خصوصاً در دو سه دهه اخیر، جریانهای نوگرای مسلمان و غیر مسلمان با انجام پژوهشهایی نقادانه در حوزه اندیشه شیعه، سعی نموده‌اند برخی بنیانهای معرفتی شیعی را غیر ثابت و به گونه‌ای برآمده از پدیده‌های تاریخی و بدون پشتوانه کتاب و سنت نبوی بدانند. از این‌رو، نزد ایشان آنچه شیعیان در دوره‌های مختلف و از ابتدای پیدایش بدان معتقدند، لااقل در آن قسم که با دیگر مسلمانان همسو نیستند، ساختگی و مبتنی بر تلاشهای آنان برای حفظ جایگاه خود در عرصه‌های گوناگون بوده است (عقیده ساز بودن تاریخ). نمونه آن موضوع امامت و بهره‌مندی جانشینان پیامبر از علم، عصمت و منصوص بودن ایشان است.

در برابر، دیدگاهی وجود دارد که با اساس قرار دادن قرآن و همان منابع روایی و با به کارگیری روش قدماء در اعتبارسنجی روایات، تلاش دارد تا فرضیه‌ای بدیل را ارائه کند که به لحاظ روشمندی مطالعات تاریخی، کارآمدترین نوع آن، یعنی روش بررسی توصیفی - تبیینی را که موجب تحقق فهم دینی و مسیرشناسی آن می‌گردد (قراملکی، ص ۲۷۶۸)، به کارگیرد و با در نظر گرفتن نقش عناصر تاریخی (اثرگذار) سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مسیر تبیین اجمالی - تفصیلی آموزه امامت در فضای جامعه را از نگاه روایی را نشان دهد. در این دیگاه، سه بحث اساسی مطرح است: نخست مبانی نظری، دوم ترسیم فضای اجمالی - تفصیلی تبیین و سوم ارائه نمونه‌های تطبیقی. آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود بیان مرحله دوم است.

## عناصر تاریخی

برای تحلیل واقعی یک پدیده نیازمند شناخت و به کارگیری عناصر تاریخی و اثرگذار بر آن رویداد هستیم. از این‌رو، تعبیر عنصر تاریخی به معنای هر حادثه (یا جزء) کوچک از مجموعه اجزای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در پاره‌ای موارد،

اقتصادی است که در یک جریان فکری در بستر تاریخ نقش آفرین بوده است و بدون توجه به مجموعه اجزاء و میزان همسویی یا عدم آن، تحلیل یک پدیده ناتمام است. با دقت در هماهنگی عناصر تاریخی در مقاطع مختلف دوره حضور اهل بیت، یا عدم آن، و نیز سیر نشر و تبیین آموزه‌های معرفتی، به طور نسبی، می‌توان در تبیین اصل امامت، چهار دوره را در نظر گرفت که هر دوره تکمیل کننده جزئی از سیر تبیین اجمال به تفصیل است:

۱. دوره پیامبر اکرم تا پایان دوره امامت امام سجاد علیهم السلام است: (پایه ریزی اندیشه)
۲. دوره امامت صادقین علیهم السلام تا سال ۱۴۵ هجرت (شکل‌گیری و شکوفایی معارف)؛

۳. دوره امام کاظم و امام رضا علیهم السلام (تبیيت و تصحیح اندیشه)؛

۴. دوره امامت امام جواد علیهم السلام تا آغاز عصر غیبت (کارکرد عینی اندیشه)؛

### أنواع عناصر تاریخی

مجموعه عناصر تاریخی اثرگذار و برخی نمونه‌های برجسته آن در دوره‌های مذکور عبارت‌اند از:

#### ۱. عنصر سیاسی

سیاست در معنایی کلی، تلاشی برای کسب، حفظ، افزایش و نمایش قدرت است. در نتیجه، هرگونه تلاش حاکمان برای حفظ حکومت و ثبات آن، و نیز فعالیتهای مخالفان در راستای برخورد و تضعیف آن، عناصر سیاسی دانسته می‌شود. بنابراین، مراد ما از عنصر سیاسی، هر نوع کنش و واکنشی است که بازگشت آن به نهاد حاکمیت و قدرت منتهی شود.

نمونه‌های این موارد عبارت‌اند از: فضای خفقان سیاسی (ابن الاشیر، ج ۳، ص ۴۷۷؛

الجاحظ، الحیوان، ج ۱، ص ۱۶۷؛ همو، الرسائل السیاسیة، ص ۲۹۷؛ شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۲۸)، مسئولیتهای حکومتی (شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۱۷۰)، جنبش‌های معارض با حکومت (ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۶۹؛ ابوالفرح اصفهانی، ص ۳۸۱)، تبلیغات سیاسی (فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۵؛ کلینی،





ج، ۲، ص ۲۲۴؛ کشی، ص ۲۶۶)

## ۲. عنصر فرهنگی

فرهنگ اندوخته‌ای است که به زندگی انسانها در دو بعد فردی و جمیعی، شامل علم و معرفت، آداب و رسوم و... معنا و جهت می‌دهد. بنابراین، مراد ما از عنصر فرهنگی، چیزی است که این معنا و جهت را تأمین می‌کند.

موارد زیر مهم‌ترین این عوامل اند؛ فرآگیری آموزه‌ها (کلینی، ج ۳، ص ۲۳۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۲۰؛ کشی، ص ۱۶۳؛ شوشتاری، ج ۱، ص ۵۷۹)، وجود فرهیختگان (نجاشی، ص ۱۰؛ کشی، ص ۱۳۷؛ مفید، الاختصاص، ص ۶۶)، روحیه پرسشگری و تلاش برای دانش اندوزی (کشی، ص ۱۰۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۲، ج ۳، ص ۲۷۴، ج ۵، ص ۳۶۲) مواجهه با افکار جدید (نجاشی، ص ۴۳۳؛ سید مرتضی، ج ۱، ص ۹۴؛ مسعودی، ج ۲، ص ۲۲۴)

## ۳. عنصر اجتماعی

جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس ویژگیها و عواملی در کنار یکدیگر گرد آمده و بر همین اساس، مناسباتی در میان آنها، برقرار است. بنابراین مراد ما از عنصر اجتماعی، چیزی است که بر رابطه میان اجزاء اجتماع اشرگذار باشد.

موارد زیر مهم‌ترین این عناصرند؛ گستردنگی بلاد اسلامی (کلینی، ج ۱، ص ۵۱۵؛ کشی، ص ۶۰؛ نجاشی، ص ۱۷ و ۳۷۱)، پراکندگی جمعیتی (رسول جعفریان، نقشه‌ها)، مقبولیت عمومی و جایگاه مردمی (کلینی، ج ۲، ص ۲۰؛ کشی ص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۳۷؛ اربلی، ج ۲، ص ۳۶۳)

## ۴. عنصر قدرت اقتصادی

زمینه‌سازی برای بروز برخی جریانها یا توسعه آنها، گاه وابسته به قدرت اقتصادی است. از این منظر، مراد ما از عناصر اقتصادی، قدرت اقتصادی جامعه یا همان میزان جریان مالی در بخش‌های گوناگون آن است که در ارتباط مستقیم با عناصر دیگر نمایان می‌شود.

نمونه‌هایی از تأثیرات قدرت اقتصادی عبارت‌اند از: تبلیغات سیاسی، تطمیع در میان خواص (شیخ آل یاسین، ص ۱۷۵)، نگارش مجموعات (تبلیغات بنی امیه در برابر و به ضد خاندان پیامبر، پیشین)، گسترش هرزگی و فساد اخلاقی (اصفهانی، ج ۸ ص ۲۴۴) و سازمان وکالت و کارکردهای آن (جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه<sup>علیهم السلام</sup>).

### نقش آفرینی عناصر تاریخی

با توجه به گفته‌های پیشین، اکنون نوبت به ترسیم مدلی است که در سایه آن فضای پیش روی تبیین معارف و سیر اجمال به تفصیل آن بر اساس نقش آفرینی عناصر تاریخی، نشان داده شود.

#### ۱. دوره پیامبر اکرم تا پایان دوره امامت امام سجاد<sup>علیهم السلام</sup>

تبیین دوران پیامبر، به عنوان نقطه آغازین، دارای اهمیتی خاص و حوادثی متنوع است؛ لیکن به جهت محدودیت نوشتاری تنها به گوشه‌هایی مختصر از مهمترین آن می‌پردازیم.

##### ۱-۱) اسلام و پیامبر

##### ۱-۱-۱) پیامبر در مکه

حجاز سرزمینی با ویژگی‌های خاص بود که آن را از دو همسایه قدرتمندش، ایران و روم، متمایز می‌کرد. عدم وجود یک حاکمیت یکپارچه داخلی، عدم تسلط قدرتی خارجی و قبیله‌گرایی مهم‌ترین ارکان سیاسی این منطقه را شکل می‌داد. از نظر عقیدتی نیز وضع به همین منوال بود و تشتن عقیده‌الهی و غیر الهی آن را فرا گرفته بود. (ریجیس بلاشر، ص ۳۷) انساب، شعر و توصیف اسب، شراب و زن مهم‌ترین بخش فرهنگ آنان را شامل می‌شد. در بعد اجتماعی و اقتصادی، چنانکه از سخنان جعفر طیار به پادشاه حبشه بر می‌آید، محدودیتهای منابع در کنار مناسبات قبیله‌ای، جنگ و غارت، برده‌داری، زنده به گور کردن دختران و دهها ناهنجاری اجتماعی فraigیر شده بود. (ذهبی، ج ۱، ص ۱۹۳)

با ظهور اسلام تحولی عظیم پدید آمد. ابتدایی ترین شرط پیامبر برای ایمان



دست کشیدن از زشتیها در سایه اعتقاد به یکتایی خدا، همانند آنچه در پیمان عقبه به عنوان شروط ایمان آوردن بیان شد، مطرح گشت. هر چند پیامبر به سبب مخالفت شدید سران قبایل و اشراف ابتدا دعوت خود را به مدت سه سال، مخفیانه انجام داد، تا بتواند به دور از چشم آنها عده‌ای را با خود همراه سازد، اما با علنی شدن دعوت، همان گروه اندک مسلمانان، به سبب انواع فشارهای مشرکان مجبور به مهاجرت از مکه شدند.

همو با تشریح موقعیت سیاسی - اجتماعی مسلمانان، خفغان حاکم بر اندیشه دینی و فضای ابراز عقیده به نوع آموزه‌های پیامبر، که حالتی اجمالی و خالی از هر نوع توضیحی بوده، اشاره می‌کند؛

[پیامبر] ما را به الله فراخواند تا او را یکتا بدانیم و تنها او را بپرسیم. بتهایی را که خود و پدرانمان می‌پرسیم به دور افکنیم. ما را به راستی در گفتار، ادای امانت، پیوند با خویشان، نیکی با همسایه، دست برداشتن از گناهان و خونریزی فرمان داد و از زشتیها و سخنان ناروا، خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاک‌دامن بازداشت. او از ما خواست تنها خدا را بپرسیم. هیچ چیز را شریک وی نگیریم و ما را به نماز، روزه و زکات فرمان داد. (همانجا) این گفته‌ها به خوبی نشان می‌دهد که پیامبر با جامعه‌ای مملو از مشکلات و تعصبات اجتماعی - فرهنگی مواجهه بوده و تلاش برای القای سطحی‌ترین معارف الهی در آن تا چه اندازه دشوار بوده است.

#### ۱-۲) پیامبر در مدینه

پیامبر در مدینه با وجود انواع تهدیدات احتمالی، با ساخت مسجد (الصالحی الشامي، ج ۳، ص ۵۳۳)، تأکید بر برادری و مساوات میان انصار و مهاجرین (همانجا) و نیز پیمان تشکیل امت واحد میان مسلمانان و غیر مسلمانان (ابن هشام، ج ۲، ص ۵۰۱ - ۵۰۴)، مهم‌ترین گامها را برای فراهم نمودن بستری مناسب جهت پایه‌ریزی و پیاده‌سازی آموزه‌های وحیانی برداشتند. هر چند این برنامه به جهت شدت سیطره فرهنگ

جاهلی و افزایش تدریجی ایمان آورندگان به پیامبر (نصر ۱۱۰) / کار را دشوار می‌نمود و انتظار تغییر جامعه جاهلی نیز وجود نداشت، اما با تلاش‌های پیامبر حرکتی آغاز شد که طی آن ریشه‌های جاهلیت و عصیت مورد هدف قرار گیرد و در نتیجه، رفتار جاهلی، با ساده‌ترین الگوهای مانند حشر با عربهای زمانِ جاهلیت، مصداقی برای زشتی دانسته شود. (کلینی، ج ۲، ص ۳۰۹) از این‌رو، حتی در سالهای آخر حیات پیامبر و پس از رحلت ایشان به جز درباره برشی خواص، شاهد چنین رفتارهایی هستیم.

علاوه بر این، نبود جمعی فرهیخته برای القای معارف از مشکلات اصلی به شمار می‌رفت. پیامبر همگان را به یادگیری، خواندن و نوشتند و نیز کتابت گفتارش تشویق نمود (همان، ج ۱، ص ۳۰)؛ زیرا عموم این افراد به علت داشتن پیشینه جاهلیت، شدّت رخنه کردن آن در تفکراتشان و نیز بی‌اطلاعی از علوم، حتی از توان پرسش هم عاجز بودند و تنها مشتاق شنیدن معارف در پرسش‌های دیگران و بهره‌گیری از آن به مقدار حاجتشان بودند. (همان، ص ۶۴)

از این‌رو، نوپایی دانش اندوزی، سبب شد تا پیامبر در تبیین عمومی آموزه‌های الهی نتواند از حالت اجمال خارج شود. (همان، ص ۲۳) در نتیجه، به تدریج و در فضای نزول آیات، مانند جریانات جنگی یا مراجعة اهل ادیان، و به تناسب احتیاجات و فهم آنان، تفسیر آیات، سنن و فرائض نیز بازگو می‌شد (هیشی، ج ۱، ص ۱۳۲) یا در اوقات معینی، حلقه‌های علمی با بیان شنیده‌ها از پیامبر و آموزش قرآن (همانجا) تشکیل می‌گشت. در این میان، تنها عده‌های محدودی مانند امام علی<sup>علی‌الله</sup>، سلمان و ثابت بن معاذ، توانستند روحیه پرسشگری خود را نمایش دهند. (طبری، المسترشد فی الإمامة، ص ۲۶۳)

از سوی دیگر، تأمّلی در آیات مکّی و مدنی قرآن نیز نشان می‌دهد که میان سطح عمومی مردمان این دو شهر در خلال حیات رسول خدا تفاوت‌های معرفتی پدیدید آمده که ارتباط مستقیمی با عناصر تاریخی دارد؛ زیرا دانش عمومی تنها از حالت



بدوی خود خارج و به مرتبه اجمال گویی رشد یافته است. آیات مکّی غالباً با خطابی کلّی و موعظه‌ای و با رویکردی توحیدی، معادی و اخلاقی (لقمان ۳۱ / ۱۸) است؛ در حالی‌که آیات مدنی غالباً با رویکردی جزئی و ناظر به انواع موضوعات و فروعات است. این نسبت میان آیات ابتدایی ورود پیامبر به مدینه و آیات سالهای آخر حیات ایشان نیز برقرار است. آیات سالهای آخر، در بردارنده موضوعاتی نظیر کلیات فروعات احکام و نیز تبیین مواضع سیاسی و حکومتی مانند رفتارهای منافقین، مشرکین و جهاد با آنها در قالبی کلّی است. هر چه زوایای یک آموزه بیشتر یا اهمیّت آن بالاتر بوده، اجمال گویی آن نیز بیشتر و بیان تفصیلی‌اش در زمان طولانی‌تری انجام پذیرفته است.

در برابر این تلاشها نخستین تحرکات فرهنگی مخالفان اسلام با ساخت مسجد ضرار و سعی در واپسگرایی جاهلی شروع و ریشه‌های نفاق در ممانعت از فراگیری آموزه‌ها و رشد آن نمایان شد (نساء ۶۱ / ۴) و تا آنجا ادامه داشت که گاه روایاتی دروغین به پیامبر نسبت می‌دادند. (کلبی، ج ۱، ص ۶۴) با وقوع جنگهای سالهای نخست هجرت و شهادت برخی صحابه راستین مانند حضرت حمزه و عده‌ای از قاریان قرآن، بخشی از فضای فرهنگی دچار آسیب شد و اجازه نداد پیامبر از جمع فرهیخته خود بهره ببرد. به علاوه در هر جنگی که مسلمانان موفقیتی به دست نمی‌آوردن، وضعیت اجتماعی آنان تضعیف می‌شد. (آل عمران ۳ / ۱۲۳؛ توبه ۹ / ۲۵) این ضعف اجتماعی خود عاملی برای تردید و عدم مراجعه برای دریافت معارف بود. (محمد ۴۷ / ۲۰) هر چند اندکی بعد با پیروزی مسلمانان در جنگ خندق (احزاب ۳۳ / ۲۲) و فتح مکّه (فتح ۴۸ / ۱) و مجموعه حوادث سال آخر حیات پیامبر، مانند: ماجراهی حدیث ثقلین، غدیرخم و نزول آیه اکمال، فرستادن لشکر اسامه و واقعه لوح و قلم خصوصاً در فاصله هفتاد روزه حجه الوداع تا آخر ماه صفر در سال دهم، این جایگاه تا اندازه زیادی، تثبیت شد و به تناسب آن اوضاع سیاسی - فرهنگی برای بهره‌گیری از رسول خدا بهبود یافت. (فتح ۴۸ / ۲۰)



بنابراین، در مورد معارف عمیق اسلامی می‌توان به درستی ادعا نمود که «پیامبر در زمان رحلت، طرحی از یک جامعه سیاسی مبتنی بر علقوه‌های مذهبی و مفهومی از یک زندگی توحیدی را فراهم آورده بود.» (Ira M.Iapidus, a history of Islamic societies) و طبیعتاً تفصیل این کلیت محتاج مفسّری بود که در گذر زمان آن را بیان نماید.

۱-۲) از دوران امام علی علی اللہ تعالیٰ تا پایان دوران امام سجاد علی اللہ تعالیٰ

#### ۱-۲) عوامل سیاسی

بار رحلت پیامبر، مهم‌ترین مسئله سیاسی مسلمانان جانشینی پیامبر بود. با واقعه شوم سقیفه و عدم رغبت عمومی برای تشکیل حکومتی با محوریت اهل بیت (وصیت پیامبر)، شرایط سختی در برابر امام پدیدار گشت. تلاش‌های دختر پیامبر نیز برای احیای مجدد این سفارش و برگرداندن آن به جایگاه اصلی خویش ناکام ماند و با این سخن جاهلی مواجه شد که:

اگر ابوالحسن [علی اللہ تعالیٰ] برای ما حقایق را عنوان می‌کرد قبل از آنکه ما با دیگری (ابوبکر) عهد می‌بستیم، هرگز از او روی برنمی‌تابتیم و به دیگری میل نمی‌کردیم. (ظررسی، ج ۱، ص ۱۰۸)

در نتیجه امام، پس از حداقل شش ماه موضع گیری، به سبب برخی فشارهای سیاسی جناح رقیب<sup>۱</sup> (ابن عبد ربه، ج ۱۷، ص ۲۲۳) به یکباره در انزوا قرار گرفت که گوشه‌هایی از آن در خطبه شقشقیه بیان شده است. (شیخ مفید، الجمل، ص ۱۲۷)

هنگامی که امام به حکومت رسید، دو جریان سیاسی مدعی هواداری عثمان و نیز معاویه و جریان اجتماعی - مذهبی خوارج جنگهایی را بر امام تحمیل نمود که نتیجه آن پیدایش ضعف در اداره امور کشور و عدم توانایی در استفاده از این فرصت در راه ارتقای سطح معرفتی عموم بود. سخنان امام مبنی بر به ستوه آمدن و دل شکسته شدن از مردم به خوبی این فضا را ترسیم می‌کند:

۱. سخن مؤمن طاق در مورد احتمال ترور امام می‌تواند نمونه‌ای از باور عمومی اصحاب امام باشد.



گرفتار کسانی شده‌ام که چون امر می‌کنم، فرمان نمی‌برند؛ و چون می‌خواهم، پاسخ نمی‌دهند... فرباد می‌خواهم و یاری می‌جویم، نه سخنم

می‌شنویم و نه فرمانم را می‌برید... (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه‌های ۲۵ و ۳۹)

پس از شهادت امیرالمؤمنین، مقاومت سیاسی امام حسن علیه السلام در فضای متشتّت سیاسی همانند دوره قبیل سودی نیخشید. چندین بار به امام سوء قصد شد (ابن اعثم ج، ص ۲۸۸) و در نهایت ساختار حکومتی امام به دلیل خیانتهای حاصل از تطمیع و تردید از هم پاشید و امام مجبور به مصالحه و انتقال قدرت به معاویه شد. (مجلسی، ج

(۲۸۷، ص ۷۵)

تبليغات سیاسی معاویه و خصوصاً بخشنامه‌های خشونت بار بر ضد دوستداران خاندان پیامبر موجب پراکندگی و شهادت عده‌ای از فرهیختگان مانند عمرو بن حمق، رشید هجری و بسیاری دیگر شد که در همراهی امام علی علیه السلام نقش اساسی داشتند. (شریف قرشی، ج ۲، ص ۱۶۷) با این وضع، قدرت تشکیلاتی امام کاملاً از میان رفت تا آنکه باروی کار آمدن یزید، امام حسین علیه السلام خطرناک‌ترین روزهای دین را به چشم دید. موضوع دعوت از امام و عدم پایداری اهل کوفه سبب شد تا در این اوضاع، واقعه عاشورا در جلوگیری از حذف کامل سنت نبوی مؤثر واقع شود. (ابن طاووس الحلى، اللهوف، ص ۲۴)

با شهادت امام تنها برای چند روز امام سجاد علیه السلام و ناحیه امامت، توانستند به برخی جنبه‌های عاشورا بپردازنند و در نتیجه، به تدریج، موجی از خشم بر ضد امویان مخصوصاً در کوفه - که نقشی اثربار در این واقعه داشت - شکل گیرد و انقلابهایی را به راه اندازد. هر چند که این انقلابها در حالت کلی می‌توانست کوفه را به پایگاهی با بن مایه‌های تفکر شیعی تبدیل کند، اما عدم هماهنگی آنها با امام سجاد علیه السلام از یک سو و مراقبتهای زیبریان از رفتارهای امام باعث شد تا مسیر دیگری طی شود و شرایط همچنان برای انتقال معارف شیعی مساعد نگردد و حتی امام جایگاهی سیاسی در بین انقلابیون نیز نداشته است.

شَدَّتْ خُفْقَانْ در دُورَة طُولَانِي حَجَاجْ نِيزْ هَمِينْ شَرَاطْ را رقم زَدْ. مَعْدُودْ افرادِي  
از شیعیان در حجاز باقی ماندند که تعدادشان به بیست نفر هم نمی‌رسید. (الثقفی، ج ۲،  
ص ۳۹۴) برخی از همین افراد مانند سعید بن جبیر از قدیمی‌ترین مفسرین قرآن  
(ابن جوزی، ج ۱، ص ۷۶ - ۷۷؛ واقدی، ص ۲۵۶ و ۲۶۷) نیز به شهادت رسیدند. شَدَّتْ واکنش  
حجاج به فعالیتهای اندک و تقیه‌ای امام (اربیلی، ج ۲، ص ۱۰۳؛ واقدی، ج ۵، ص ۲۱۴) در نامه  
او به عبدالملک بن مروان و اعلام احساس خطر نسبت به امام به خوبی روشن  
است. (صفار، ص ۳۹۷) این اوضاع که بدترین شرایط سیاسی و خفقان در دوران امامت  
است، تا روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت.

## ۲-۲-۱) شرایط فرهنگی

شیوه خلفاء در اداره امور، نابسامانیهای فرهنگی فراوانی را بر جای گذاشت.  
(شیخ مفید، الجمل، ص ۶) با صدور فرمان منع کتابت حدیث (xfcان فرهنگی) به بهانه  
انحراف در قرآن (احمدی میانجی، ج ۱، ص) و حتی عدم اجازه بیان آن برای دیگران از  
یکسو (ابوریه، ص ۴۷ - ۵۳) و تبلیغ معارف دین توسعه یهودیان تازه مسلمان، مانند  
کعب الاخبار و حتی ارجاع علمی به آنان و ترویج اسرائیلیات (ابن اعثم، ج ۴، ص ۳۲۶)،  
رفتارهای اشتباه خلفاء درباره سنن پیامبر، مانند آنچه خلیفه اول از آن احساس  
پشیمانی می‌نمود (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ ذهبي، تاريخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۷ - ۱۱۸) دیگر مجالی  
برای حضور اهل‌بیت و بیان شریعت باقی نمی‌ماند؛ حتی امام علی علیه السلام نیز به جز  
پاره‌ای موارد در اجتماع حضوری نیافت و غالباً در نخلستان و به دور از چشم  
دوستان و مردم به سر می‌برد. (فتال، ج ۱، ص ۱۱۱؛ شیخ طوسی، الامالی، ص ۷۷)

استفاده از برخی اصحاب امام علی علیه السلام مانند عمار یاسر و سلمان در مناصب  
حکومتی و دور نمودن ایشان از امام و نیز تبعید برخی دیگر مانند ابوذر و منع سخن  
گفتن با او (ایینی، ج ۱۶، ص ۱۰۷) به خاطر بیان فضایل امام (یعقوبی، ج ۱۲، ص ۶۷ - ۶۸) سبب  
گردید تا امام در سازماندهی یک جریان فرهنگی پویا، موفقیت چشمگیری به دست  
نیاورد.





مشکل دیگر، نبود روحیه پرسشگری عمومی بود که حکایت از مانع جدی بر سرگسترش معارف داشت. حتی سخن معروف امام علی علیه السلام «سلوونی قبل آن تقدوّنی» (کلینی، ج ۱، ص ۶۰۴) نیز نتوانست تمایلی به پرسش در آنها ایجاد کند و فضای علمی آنان را به حرکت درآورد و تنها پاسخهایی اجمالی به اندک سؤالات مطرح شده حتی درباره واقعه غدیر داده می شد. (امینی، ج ۱، ص ۶۷۴)

تبليغات گسترده شاميان بر ضد اهل بيت<sup>۱</sup>، از قبيل سبب امير المؤمنين بر منابر (امینی، ج ۱۰، ص ۳۶۹)، جعل حدیث بر ضد اهل بيت (ابن الحذیج، ج ۱۱، ص ۴۴ - ۴۶) و مناقب سازی برای معاویه (طبری، ج ۲، ص ۲۹۶) تأثیر به سزاپی در عدم شناخت تازه مسلمانان از امام و دوری آنها از دیدگاههای امامان داشت.

تنها در دوره حکومت امام علی علیه السلام و اندکی قبل از آن، حضور حسین علیه السلام، عمار، مالک اشتر، ابن عباس و دیگر فرهنگتگان در تبیین مسائل مختلف و معمولاً در شرایط جنگ، حاکی از تلاش گسترده امام برای تسلط بر پیچیدگی شرایط دارد. بيان خطبهها و كتابت نامههای حاوی معارف مانند نامه مالک اشتر، ووصیت به حسین، در کنار پرداختن برخی اصحاب به تأیفاتی اندک در فقه و احکام قضایت و سنن و کلام وادعیه (نجاشی، ص ۱ - ۶) تنها تلاشهای مؤثر در این دوره کوتاه است که بيان آن غالباً برای خواص جامعه صورت می‌گرفت.

در این میان، کوشش‌های امام در تربیت اندک نیروهای جدید، هر چند موافقیت‌آمیز بود، اما غالباً این افراد در همان دوران امام به شهادت رسیدند و باقی مانده آنان نیز در زمان حسین علیه السلام، به شهادت رسیده یا تبعید شدند. انزوای حسین علیه السلام در فضای مدینه اوچ نابسامانی فرهنگی و اعتقادی جامعه اسلامی را نشان می‌دهد. با وقوع عاشورا و ورود امام سجاد علیه السلام به مدینه تأثرات عمیقی در

۱. برای نمونه در جنگ صفين، جوانی از لشگر معاویه درباره علت حضورش در جنگ می‌گويد: «چنان که به من گفته‌اند مولای شما نماز نمی‌گزارد و شما نیز نماز نمی‌گزارید، ... او خلیفه ما را کشته و شما در کشتن او به وی کمک کرده‌اید.» (نصرین مزاحم، ص ۳۵۵)

مردم ایجاد شد؛ اما گذشت زمان و تشدید جو خفقان سیاسی و وضعیت اسفبار

مدينه به لحاظ فرهنگي و بي تقاوي آنها كه به اوچ رسيده بود، مانند حضور آواز

خوانان (ابوالفرج الاصفهاني، ج ۸ ص ۲۴۴)، شرایط را پيش از سخت و تيره کرد.

در نقلهایی که بعدها امام صادق علیه السلام را بيان می‌کند، تعداد اصحاب خاص امام

سجاد علیه السلام - که در روایتی دیگر ثقات علی بن الحسين نامیده شده‌اند (کشی، ص ۱۲۴) -

سه تا پنج (کلینی، ج ۱، ص ۴۷۲) نفر نام برده شده‌اند که تلاش زیادی برای تبیین جایگاه

امامت نمودند. در نتیجه، برخی مانند ابو خالد کابلی، با تقیه شدید و با فرار به مکه،

جان سالم به در بردن و بقیه هم به شهادت رسیدند. (کلینی، ج ۲، ص ۳۷۹، برای سرنوشت

این عده نک: کشی، ص ۳۳۹) سخن امام سجاد علیه السلام به درستی، ترسیم کننده فضای فرهنگی

و اجتماعی زمانه است:

نمی دانیم با مردم چگونه رفتار کنیم! اگر برایشان، از آنچه از کلام رسول

خدای می دانیم بیان کنیم، به تمسخر می گیرند و اگر سکوت کنیم، برای ما

جایز نیست. (کلینی، ج ۳، ص ۲۲۴)

به دلیل همین انحطاط معنوی جامعه است که نشر معارف در این دوره تو سط

امام، با رویکرد مو عظه و اخلاق و گاه نقل فضایل همراه است (برقی، ج ۱، ص ۶۱، حرانی،

ص ۲۲۴) و آن چنانکه در دوره بعد گفته می شود، بیان احکام فقهی اندک و معارف

بنیادین به حداقل و در سطح کلی آن می باشد. این اوضاع تا اواخر دوره امام

سجاد علیه السلام و به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت.

### ۱-۳-۲) شرایط اجتماعی و قدرت اقتصادی

تأکید پیامبر بر حفظ موقعیت اجتماعی اهل بیت، با بیان آیات و کلماتی مانند آیه

مودّت (شوری (۴۱/۲۳)، حدیث ثقلین و نظری این دو، با رحلت آن حضرت و شهادت

حضرت زهرا علیه السلام و بروز رفتارهای جاهلی به فراموشی سپرده شد و به جز اندک

شیعیان امام علی علیه السلام و صحابه خاص پیامبر، کسی به جایگاه اجتماعی آنان آگاه

نبود. (اربلی، ج ۱، ص ۴۸۵؛ الخزار، ص ۳۶؛ طبری، ص ۳۴؛ سید رضی، ص ۱۴۳) از سوی دیگر،





نداشتند نیروی کافی در فضای خفقان، اجازه حضور پرنگ را به امام نمی‌داد. در مدت بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر، فضای انزوا تا اندازه‌ای بود که تنها چند نفر معدود به تعداد یاران اولیه امام پیوستند. حتی در انتخاب امام برای حکومت تأکیدی بر جایگاه اجتماعی ایشان به عنوان اهل بیت وجود نداشت و امام نیز در اعتراض به عدم همراهی مردم سخنی از این جایگاه به میان نمی‌آورد.<sup>۱</sup> به علاوه شروع مقابله نظامی با ناحیه امامت از این دوران، گویای عدم توجه این جایگاه است. سخن امام رضا<sup>علیهم السلام</sup> در تحلیل این دوران «جَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْنَافِ آلِ مُحَمَّدٍ» (شیخ صدق، معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۷۰) اشاره به همین نکته دارد.

شیخ مفید در توصیف اوضاع، پس از این دوره، جامعه پیرامون امام حسن را متشتت و متشكل از شیعیان، خوارج، اصحاب معاویه، طمعکاران، عوام، و صاحبان عصیت ترسیم می‌کند که امام حتی در میان دوستدارانش، به غربت، روزگار سپری می‌کند (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰) که نمونه آن سخن امام صادق<sup>علیهم السلام</sup> درباره مذل المؤمنین خواندن امام است. (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۸۷)

این دسته‌بندی به خوبی نشانگر عدم وجود شرایط اجتماعی مناسب برای القای هرگونه معارف است. حضور حسین<sup>علیهم السلام</sup> در مراسم حجّ به عنوان فرزندان پیامبر نیز مؤثر واقع نشد. حتی امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> در نامه خود به هنگام قیام بر جایگاه اجتماعی خود تأکیدی نمی‌کند. (ابن قولیه، ص ۷۵)

دشواریهای پیش روی امام سجاد<sup>علیهم السلام</sup>، فقدان شرایط اجتماعی و زندگی در خارج شهر مدینه، در کنار موضع برخی خواص هم در عدم ثبیت جایگاه امام قابل تأمل می‌نمود؛ برای نمونه ابن‌الحنفیه فرزند امام علی<sup>علیهم السلام</sup>، که اصل مسئله امامت به خوبی آگاه بود دچار تردید شد تا آنجاکه دواعی خود را برای امامت پس از امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> ابراز می‌دارد و از امام می‌خواهد او را به رسمیت بشناسد.<sup>۲</sup> (کشی،

۱. تنها در یک مورد. (نک: سید رضی، ص ۳۶۴)

۲. روایت کشی نه تنها هیچ دلالتی به مدعای نویسنده مقاله ندارد، بلکه حاکی از آن است که محمدبن حنفیه،

ص ۱۲۰) این فضا در اوآخر دوران امام سجاد علیه السلام اندکی بهبود یافت. ماجرای اشعار فرزدق دقیقاً گویای همین مطلب است. (ذمہ، تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۴۳۸)

در بعد اقتصادی نیز با انجام فتوحات در زمان خلیفه دوم، درآمدهای بیتالمال فراوان شد. تقسیمات طبقاتی بیتالمال و ترویج روحیه جاهلی - قبیله‌ای هنگام دریافت بیتالمال و روند اشرافی‌گری و غنایم‌زدگی مخصوصاً در دوره عثمان و بذل و بخشش‌های بی دلیل او، و اخراج ابوذر به ربذه به علت مقابله با این روند (ابن‌کثیر، ج ۶ ص ۱۶۶)، موجب ثروت‌اندوزی بخشی از خواص و اعتباربخشی به امور سیاسی و مذهبی در قبال دریافت ثروت، مخصوصاً به هنگام بهره‌گیری معاویه از آن در قبال سپاه امام حسن علیه السلام و نیز جعل روایات، شد (آل یاسین، ص ۱۷۵) و در نتیجه، فقر ایجاد شده و ثروت‌اندوزی هر دو سبب عدم اجرای معارف و احکام و روایج گرایش‌های دیگر می‌شد.

در این میان، وضعیت اقتصادی اهل بیت نیز با تصرف فدک و برخی اموال ایشان موجب شدت دشواریها شد و در عمل، توان مالی ناحیه امامت را تا اوآخر دوران امام سجاد علیه السلام به شدت کاهش داد؛ هرچند که امام علی علیه السلام آن را در دوران حکومت خود به جهت سیاستی عالمانه باز پس نگرفت.

## ۲. دوره صادقین علیهم السلام

### ۱-۲) اوضاع سیاسی

با روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز و شیوه او در برخورد با اهل بیت، زمینه‌های بیان بسیاری از مسائل برای امام باقر علیه السلام گشوده شد. حتی در زمان طولانی حکومت هشام بن عبد‌الملک نیز علی رغم جو خفقان شدید، امام سخن خود را همانند یک رقیب جدی در عرصه سیاست بیان می‌نمود. (ابن طاووس الحلبی، الأمان، ص ۶۶) این

← ابوخالد کابلی را به امامت امام سجاد علیه السلام رهنمون می‌شود. در کتاب کافی روایتی هست که می‌تواند دلایل بر دعوی نویسنده مقاله باشد. (الکافی، ج ۱، ص ۳۴۸) شرح و توجیح آن روایت در کلام علامه مجلسی و آیت الله خوبی آمده است. (نک: مرآة العقول، ج ۴، ص ۹۶ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۵۰) (ویراستار)



برخوردها تا آنجا ادامه داشت که با قیام زیدبن علی علی‌الله‌آی تضعیف بنی امیه شدّت یافت و زمینه سقوط آنان فراهم شد. از این‌رو، دوران آغازین امام صادق علی‌الله‌آی سالهای ۱۲۵ هجری که با شکل‌گیری برخی قیامها و طرح شعارهایی در طرفداری از اهل بیت همراه بود، زمینه را برای نشر معارف ایجاد نمود. امام صادق علی‌الله‌آی با آزادی عمل به دست آمده، فعالیتهای خود را سرعت بخشید. ایشان علاوه‌بر مدینه در مناطق مختلفی مانند مکه و منی با آزادی کامل، تا حوالی سالهای ۱۴۵، به نشر معارف پرداخت. علاوه‌بر اینکه شیعیان مناطق کوفه و خراسان بدون هیچ واهمه‌ای، نزد امام می‌رسیدند و کسی از جانب حکومت متعرض آنان نمی‌شد.

(اربیل، ج ۲، ص ۷۴۰)

بدین ترتیب، در این دوره بیست ساله، خفقان سیاسی از روی شیعیان، ناحیه امامت، عالمان شیعه و شخص امام علی‌الله‌آی برداشته شده تا آنکه با قدرت‌گرفتن منصور فضای سیاسی رو به خفقان نهاد.

## ۲-۲) شرایط فرهنگی

در زمان صادقین علی‌الله‌آی ناگواریهای پیشین تغییر یافت. از این‌رو، صحیفه سجادیه با حدود بیست سال تأخیر به عموم عرضه می‌شود و یا ابوحمزه ثمالي رساله زهد امام سجاد علی‌الله‌آی را در زمان این دوره ارائه می‌دهد. (کلینی، ج ۲، ص ۴) در کنار آن، انواع پرسشها با تفصیل همان محتوا از طرف صادقین علی‌الله‌آی پاسخ داده می‌شود.

جريان (نهضت) ترجمه نیز در رشد فرهنگی این دوره مؤثر بود. از اواخر دوره بنی امیه (سعید الدیوه جی، ص ۹) و مراجعه آنها به برخی متون فارسی، رومی و یونانی، امر ترجمه رونق گرفت و چون محتوای آن جدید بود، حاوی سؤالاتی بود که عموم در پاسخگویی به آن عاجز بودند. نهایتاً این سؤالات به صادقین علی‌الله‌آی (احمدی میانجی، ج ۴، ص ۳۴۱) به عنوان عالمانی با علم فراوان<sup>۱</sup> (کشی، ص ۲۷۵) یا برخی شاگردانشان متنه می‌شد. کتاب الرد علی لسطالیس (لسطالیس) فی التوحید، تألیف هشام نمونه آن است.

۱. بلّغنى أنك عالم بكلّ ما تسأل عنه.

(نجاشی، ص ۴۳۳)

نسل جدیدی از مسلمانان نیز با روحیه پرسشگر پدید آمدند که تا آن روز سابقه نداشت و چاره‌ای برای فهمیدن معارف، جز مراجعه به صادقین نداشتند حتی عالمان اهل سنت نیز خود برای دریافت معارف به امام مراجعه می‌کردند. (نجاشی، ص ۱۸۱؛ اسد حیدر، ج ۱، ص ۶۱؛ مروان خلیفات، ص ۵۳۶) تعداد فراوان علم‌آموزان از امام صادق، مؤیّد همین استقبال عمومی از علم امام است. (شیخ طوسی، الرجال، باب اصحاب جعفرین محمد الصادق) پرسشهای آنان به لحاظ کیفی و کمی، قابل مقایسه با دوره پیشین نبود. ابان بن تغلب، جابرین یزید، زراره بن أعين، محمد بن مسلم، هشام بن حکم، حمران بن أعين، جمیل بن دراج، مؤمن طاق و ... شاخصه‌هایی برای این نسل هستند که هر یک بیش از چند هزار روایات از امام شنیدند. (نجاشی، ص ۱۱؛ کشی، ص ۱۶۲ و ۱۶۷) امام اصحاب خود را به گونه‌ای تعلیم می‌داد که از هیچ نکته‌ای عبور نکنند تا بتوانند از جهت علمی پاسخگو باشند. (کلینی، ج ۱، ص ۶۰) یکی از روشن‌ترین این موارد سؤال زراره و محمد بن مسلم درباره نماز مسافر است. (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۳۴) این همه در حالی است که امام صادق علیه السلام با ترسیم وضعیت معرفتی پیش از زمان امام باقراطی علیه السلام، شیعیان را غیر آگاه به مناسک حج، حلال و حرام خود معرفی و ابراز می‌دارند که در زمان پدرشان علم شیعیان به جایی رسید که مردم بدانها نیازمند شدند، پس از این که آنها نیاز به مردم داشتند. (کلینی، ج ۲، ص ۲۰) این موارد در مقایسه با دوره پیشین به روشنی حاوی روند تفصیلی معارف شیعی است.

### ۳-۲) اوضاع اجتماعی

در اواخر دوران امام سجاد علیه السلام با روی کار آمدن عمر بن عبد العزیز به عنوان حاکم مدینه، جایگاه اجتماعی شیعیان و ناحیه امامت بهبود یافت. او به صراحة از امام به عنوان اشرف الناس نام می‌برد. (ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۰۴ به نقل از ابن الجوزی) هنگامی که او در سال ۹۹ هجری به خلافت رسید، سه حرکت شایسته را در تبیین موقعیت





اجتماعی امام و شیعیان انجام داد. (ابن ابی شیبہ، ج ۹، ص ۳۳۷) نخستین کار او ممتوّع کردن سبّ امام علی<sup>علیہ السلام</sup> بود که از زمان آن حضرت تا آن موقع، یعنی حدود ۶۰ سال، در تمامی مناسبهای رسمی مانند نماز جمعه، شنیده می‌شد. (سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۷) اقدام دوم بازگرداندن فدک بود که علاوه بر بار مالی دارای جایگاهی خاص در فرهنگ شیعه به عنوان الگوی مبارزه بود. (ابن الانیر، ج ۵، ص ۶۳) و سوم دستور به تدوین و کتابت حدیث پس از حدود ۹۰ سال از فرمان خلیفه دوم بود؛ هر چند تأثیر این فرهنگ تا ۱۰ سال پس از صدور این فرمان نیز به چشم می‌خورد.

صدور این فرمانها تغییرات گسترده‌ای در باورهای عمومی و کسب پایگاه اجتماعی امامان پدید آورد؛ چراکه دلایل او در این راستا به معنای نوعی قبول اشتباه پیشینیان و به گونه‌ای تثبیت حقانیت اهل بیت در دوره پیشین بود.

علاوه بر این، جمعیت شیعیان حداقل به صورت هم نظری اجتماعی، به طور نامحسوس، رو به گسترش بود که می‌توانست ناشی از دو امر باشد: نخست حمایتهايی که از اهل بیت و علویان به جهت مبارزه با بنی امیه انجام می‌شد؛ و دوم آسانی مراجعه به امام به عنوان یک مرجع علمی. از این رو، در زمان امام باقر<sup>علیہ السلام</sup> پایگاه شیعی خراسان و قم شکل می‌گیرد و سپس در مصر یک پایگاه جدید شیعی ایجاد می‌شود که بدان اشاره خواهد شد. این شکل‌گیری و افزایش اماکن تجمع شیعیان باعث می‌شد تا دامنه نشر و عمق معارف وسیع تر گردد.

### ۳. دوره امامت امام کاظم و امام رضا<sup>علیهم السلام</sup>

#### ۱-۳) اوضاع سیاسی

ویژگیهای مهم سیاسی این دوره مانند وجود فضای خفقان سیاسی شدید بر ضد علویان، اعتراضات و قیامهای شیعیان، ولایت عهدی امام رضا<sup>علیہ السلام</sup> و خارج نمودن هر دو امام از مدینه (به بغداد و طوس) مسیری سرنوشت ساز را برای شیعیان رقم زد.

منصور دوانقی که در اندیشهٔ یافتن جانشین امام صادق علیه السلام بود، با وصیت هوشمندانهٔ ایشان مواجه شد. (شیخ طوسی، الغیہ، ص ۱۲۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۱۰) وی تمام سعی خود را به کار بست تا با گماردن جاسوسانی از اوضاع شیعیان مطلع شود و آنها را به قتل برساند. (کلینی، ج ۱، ص ۳۵۲) چنان‌که از کتاب کافی بر می‌آید، فضای خفغان به اندازه‌ای بوده که حتی بسیاری از خواص برخلاف زرارة (شیخ صدق، کمال الدین، ج ۱، ص ۷۵) به خاطر مصالحی، از جانشینی امام علیه السلام بی‌اطلاع بوده‌اند. (کلینی، ج ۱، ص ۳۵۲)

به هر روی، با مماشات امام دوران هارون و منصور سپری شد. در دورهٔ مهدی عباسی، بار دیگر بر شدت سختگیریها افزوده شد. او با به کارگیری زیدیانی که قائل به امامت مفضول بودند، علاوه بر مشروعیت بخشی به کار خود، سعی نمود شیعیان طرفدار امام را نیز از میان بردارد. گزارش‌های تاریخی این دوره بحرانی شدن اوضاع بر ضد شیعیان را به خوبی نشان می‌دهد. هاشم بن ابراهیم زیدی که بسیاری از آثار زیدیه را نوشته بود، کتابی تحت عنوان تأیید امامت عباس به رشتۀ تحریر در آورده است. زیدی با نوشن مکتبی دربارهٔ فرق و عقاید آنها، محلها و فعالیتهای هواداران امامت مانند یعقوبیه، زراریه، اماریه و جوالیقیه را بیان می‌کند. به دستور مهدی این اثر در مدینه و کوفه قرائت می‌شود. هشام بن حکم در گزارشی تأکید می‌کند که امام به شدت بر سکوت طرفدارانش اصرار می‌ورزیده است. (کشی، ص ۲۶۵) این امر به وضوح، حاکی از جو خفغان سیاسی و افول در نشر گستردهٔ معارف دوره پیشین است.

با روی کار آمدن هادی، باز هم بر شدت برخورد با شیعیان و اعتراضات آنها، افرایش یافت و برخی سادات علوی مانند حسین بن علی (صاحب فخر) که مورد تأیید ناحیه امامت بودند، به شهادت رسیدند و امام از سوی خلیفه، متهم به سازماندهی آنان شد؛ اما اجل به خلیفه مهلت نمی‌دهد. (عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۵) پس از وی، هارون تحت تأثیر برمکیان، بار دیگر خفغان سیاسی بر ضد شیعیان را تشديد





می‌کند. وی ابتدا امام را به گمان قائم بودن، در بصره زندانی کرد و سپس در بغداد به همراه برخی دیگر از اصحاب، همانند یونس بن عبد الرحمن و ابن ابی عمیر در زندانی محبوس و پس از چندی به شهادت رساند. (نجاشی، ص ۳۲۶) دشواری این سالها در پاسخ امام کاظم علیه السلام به نامه علی بن سوید به خوبی بیان شده است. (میانجی، ج ۴، ص ۵۱۰) این دشواریها سبب شد تا امام طی فرمانی به علی بن یقطین، فعالیت جمع فرهیخته عالمان شیعی را در بغداد کاهش دهد. (شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۶۰)

پس از آن در سال ۱۸۳ دوره امامت امام رضا علیه السلام آغاز شد. اندکی بعد مأمون بر سرکار آمد و برای آرام نگهداشت اوضاع سیاسی و کنترل قیامهای منطقه‌ای علویان همانند قیام محمد بن جعفر الصادق (شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۲) و نیز بر هم زدن وضعیت فرهنگی شیعیان، امام را با لقب الرضا (من آل محمد) به عنوان ولیعهد معرفی و سپس به مرو راهی نمود. در این زمان، تدبیر امام در پذیرفتن ولایت عهده و شروطی که برای آن نهاد، کار مأمون را سخت آشفته ساخت. مأمون در تشریح وضعیت سیاسی حکومتش معتقد بود امام کارهای خود را پنهان کرده و مردم را به امامت خود می‌خواند. (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۰) چنان‌که خود مأمون در این‌باره اعتراف دارد، نه تنها اهداف سیاسی‌اش محقق نشد، بلکه گرایش فضای فکری جامعه نیز به سوی امام بیشتر شد؛ تا آنکه مأمون چاره‌ای جز به شهادت رساند امام در سال ۲۰۲، و کنترل شیعیان و امام نهم از این راه ندید.

### ۲-۳) اوضاع فرهنگی

در دوران امام کاظم علیه السلام دانش اهل بیت که با تربیت خیل عظیم دانش‌آموزان مدرسه صادقین علیه السلام که اکنون توانایی‌های خیره‌کننده‌ای در رشته‌های گوناگون به دست آورده بودند، به شهرهای مختلف انتقال یافته بود و موجی از پرسش‌های علمی جدید را پدید آورد. امام کاظم علیه السلام با ساماندهی و بهره‌گیری از تشکیلات سازمان وکالت، تلاش نمود تا بدين وسیله، حجم عظیمی از این پرسشها را در

شرايط گوناگون پاسخ دهد<sup>۱</sup>. علاوه بر آن، نشر معارف حتی در زندان نيز ادامه داشت؛ برای نمونه امام برای موسى بن ابراهيم مروزى (رئيس شرطهها و معلم فرزندان ابن شاهک) روایاتی در باب خلقت نوریه را در قالب يك كتابچه نقل می‌کند (نجاشی، ص ۴۰۸) که در زمان امام عسکري عليه السلام انتشار می‌يابد.

حضور عالمان فرهیخته مانند هشام بن حکم نيز غنای خاصی به مباحث عقیدتی و دفع شباهات داده بود. برای نمونه می‌توان به سخن او در پاسخ به ادعای يحيى بن خالد برمکی در موضوع عدم اطلاع از حیات امام اشاره نمود. (کشی، ص ۳۸۰) اين وضع تا شهادت امام ادامه داشت تا آنكه در دوره مأمون و انتقال امام رضا عليه السلام به مرد دور جدیدی از رونق فرهنگی پديد آمد. بسياری از شيعيان و نيز ساير گروههای اسلامی مشتاق که تا آن وقت موفق به ديدار امام نشده بودند، از امام به گرمی استقبال کردند. هر چند مأمون مسیر حرکت امام را به گونه‌ای طراحی نمود که امام از مدینه به کوفه و قم نروند؛ اما مرجعیت امام مؤثرتر از اين حيله، کارساز شد. اجتماع مردم برای شنیدن و نگارش روایت سلسله الذهب (شوشتري) و چندی بعد حضور جمع كثيري در نماز عيد فطر امام از نمونه‌های آن است. (شيخ مفيد، ج ۲، ص ۲۶۳)

همچنین حضور علمی برخی شخصیتها مانند یونس بن عبد الرحمن نيز به اندازه‌ای پر رنگ است که گاه از طرف امام به عنوان مرجعیت علمی به جای امام معرفی می‌شوند. (نجاشی، ص ۴۴۷) در دوره متاخر از امام کاظم عليه السلام به اين ويزگيهها نكته دیگري اضافه شد و آن روحية پرسشگر مأمون عباسی و رونق بخشی به دارالحکمة بود که در نتیجه اندیشه ترجمه متون غير عربی و فهم تفکر مردمان غير مسلمان را تقویت بخشید و باعث رونق بحثها و دانشهاي جدي در ميان مسلمانان شد و دستاويزي برای جولان علمی عالمان شيعي همراه با بازنگري متون روایي و قرآنی،

۱. برای نمونه، محمدبن علی، از نيشابور هفتاد ورقه سؤال را برای پاسخگویی نزد امام می‌آورد تا جوابهای دریافتی را منتقل نماید. (احمدی میانجی، ج ۴، ص ۵۱۳)





مخصوصاً در مبحث توحید و امامت گردید که بی‌شک، دو جنبه توانایی‌های فوق العاده امامان در پاسخگویی و نیز ارائه معانی تفصیلی‌تر از موضوع امامت، در آن اثرگذار بوده است.

مرحوم نجاشی در ترجمه ۶۴ نفر از مصنفین، عبارت «روی عن الرضا» را به کار می‌برد که غالباً این افراد دارای توثیقاتی صریح می‌باشند. (برای نمونه، نک: نجاشی، ص ۲۱، ۲۵، ۳۰، ۳۶، ۵۱، ۵۵، ۹۰، ۹۹، ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۹) همچنین از میان سیصد نفر از اصحاب امام رضاعلیه حدود چهل نفر شاخص وجود دارد - تنها ابن ابی عمیر ۹۴ کتاب را در این دوران تدوین کرده است (همان، ص ۳۲۶) - در حالی‌که از میان انبوه اصحاب امام صادقعلیه تنها پنجاه نفر همانند اصحاب اجماع شاخص و برگزیده‌اند. (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۹۸)

### ۳-۳) شرایط اجتماعی و اقتصادی

انتشار شیعیان در نقاط مختلف سرزمین اسلامی که تحت تأثیر خفقان سیاسی رخ داده بود، با استقبال عمومی مردم نسبت به سادات و اصحاب امامان، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای را در ایجاد و شکل‌گیری پایگاههای شیعی در پی داشت و حتی گاه‌گستره آن به آسیای دور نیز می‌رسید. از این‌رو، تشکیلات سازمان وکالت عهده‌دار و ظایف مهمی مانند به کارگیری شبکه پیچیده وکلا و ارجاع آنها به یکدیگر، تقسیم‌بندی مناطق، تعیین میزان اختیارات آنها در حوزه منابع مالی شد و نفوذ در سیستم حکومتی بنی عباس در دوره هارون با همکاری علی‌بن یقطین را عهده گرفت. (جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه‌علیهم السلام، فصل ۱، ۲، ۷)

### ۱-۳) مهمترین انشعابات اجتماعی

در اینجا مناسب است به دو پدیده اجتماعی مهم اشاره شود: نخست بروز انشعاب در شیعیان به هنگام وفات امام صادقعلیه در قالب فرقه فطحیه و اسماعیلیه و دوم انشعاب برخی شیعیان به عنوان گروه واقفیه با شهادت امام کاظمعلیه.

در بروز دو انشعاب می‌توان به تأثیر جوّ خفقان و برخی روایات اشاره کرد که بنابر مصالحی امامت را در فرزند بزرگ‌تر می‌دانست. بر این اساس، برخی اعتقاد داشتند که فرزند بزرگ‌تر امام، اسماعیل از دنیا نرفته بلکه غایب شده است؛ هر چند که او در زمان امام صادق علیه السلام رحلت نمود. برخی دیگر با تأیید رحلت او به فرزند دیگر امام صادق علیه السلام یعنی عبدالله افطح گرایش پیدا کردند. اسماعیلیان به سرعت از شیعیان فاصله گرفتند و به مصر (غرب) مهاجرت نمودند و در آنجا تشکیل حکومت دادند. اینان در مهاجرت خود با تأویل روایتی چنین استناد می‌کردند که محل ظهور قائم همان محل غروب خورشید است. (جامس محمد حسین، ص ۱۸۸) در برابر، غالب عالمان و اصحاب میانی امام صادق علیه السلام به جهت وجود روایات متعددی (کلینی، ج ۱، ص ۳۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۹۵) که امامت را در فرزند بزرگ‌تر می‌دانست (کشی، ص ۲۵۴) از یک سو و مخفی بودن نام امام در اثر فضای خفقان ابتدا آن را بر عبدالله افطح تطبیق دادند، اما در کمتر از هفتاد روز با دو علت عدم پاسخگویی به سؤالات توسط عبدالله و وفات او از اعتقاد خود پشمیمان شدند. (کشی، ص ۳۴۵) و جز برخی از ایشان همگی به امام کاظم علیه السلام روی آوردند.

در این میان، اماً واقعی‌ها مشکلی فراتر داشتند که کار را بر امام رضا علیه السلام سخت می‌کرد و آن اقدام بر وقف از طرف برخی وکلای نامدار امام کاظم علیه السلام و راویان پر تعداد بودند که علاوه بر در اختیار داشتن اموال بسیاری از امام (کشی، ص ۴۶۷) در نزد مردم نیز جایگاه مهمی داشتند. شدت عمل ایشان در برخورد با امام رضا علیه السلام گاهی به اندازه‌ای شدید می‌شد که به جعل حدیث (نجاشی، ص ۱۱۹) و نیز انکار کلام امام می‌رسید. (کشی، ص ۹۲) آن حضرت خود در این باره خطاب به محمّد بن فضیل می‌فرماید:

لَعْنُهُمُ اللَّهُ مَا أَشَدَ كَذِبُهُمْ أَمَا أَتَهُمْ يَزْعُمُونَ أَنِّي عَقِيمٌ وَيَنْكِرُونَ مِنْ يَلِي هَذَا  
الْأَمْرِ مَنْ وَلَدَنِي. (کشی، ص ۷۵۹)

این گروه نیز با گذشت زمان و موضع‌گیری شیعیان - همانند لعن در نماز و کلاب



ممطوره نامیدنشان - (کشی، ص ۴۶۱) و مرجعیت علمی امام، رو به ضعف نهاد و در زمان امام عسکری علیهم السلام از میان رفت.

برآیند عناصر تاریخی اثرگذار در این دوره نشان می دهد که علی رغم غالبه جو<sup>۲</sup> خفقان در طول این دوره، اهل بیت توanstه اند در تثبیت اندیشه های شیعی و دفع شباهی از آن، تحوّلی عظیم را پدید آورند و با پرورش شاگردان دانشمند و رفع نیازهای علمی جامعه، مدرسه امام صادق علیهم السلام را در دیگر شهرها رونق ببخشند.

#### ۴. دوره امامت جواد علیهم السلام تا آغاز عصر غیبت

##### ۱-۴) اوضاع سیاسی

با به قدرت رسیدن معتصم، شرایط سیاسی دچار خفقان فوق العاده ای شد. در فاصله حدودی ۶۳ سال (سال ۲۰۲ هـ تا ۲۶۵ هـ) چهار امام در سخت ترین شرایط و در جوانی به شهادت رسیدند.<sup>۱</sup> فراخوانی عسکریین علیهم السلام به سامرا و فشارهای سیاسی، تفاوتی میان حبس در خانه یا زندان نمی گذاشت و امامان جز اندک مواردی که برای اعلام حضور در دارالاماره حاضر می شدند (شیخ طوسی، الغیمه، ص ۱۲۹)، نمی توانستند از خانه خارج شود. این دو امام نیز در فاصله کوتاهی به شهادت می رسند.

##### ۲-۴) اوضاع فرهنگی

در این میان اما اوضاع فرهنگی شیعیان دارای ویژگی خاصی بود و آن به امامت رسیدن سه امام خردسال و یک امام نوجوان در این دوره بود. آنچه در این میان اهمیت دارد تبیینهای امامان پیشین نسبت به امکان این امر همانند حضرت عیسی علیهم السلام بود (کلینی، ج ۱، ص ۳۲۲) و این نشان دهنده بررسی و تفصیل معارف و جزئیات آن در دوره پیشین بود که حتی مأمون نیز بدان معتقد بود. (حمیری، ص ۱۶۷) رشد فکری و تولید دانش به وسیله جمع زیادی از عالمان شیعی در کنار تلاش گسترده امامان بر خود اتفکایی شیعیان در حل مسائل و نظرات بر آن از طریق وکلا،

۱. همچنین در این مدت تقریباً ده نفر از بنی عباس به حکومت رسیدند.

حاکی از طی نمودن مسیر فرهنگی پویا و کارآمدی بود و آمادگی آنها را برای ورود به دوران غیبت امام نشان می‌داد. غالب امور شیعیان از طریق وکلای خاص آن حضرت اداره می‌شد که وکلای مناطق دیگر با او در ارتباط بودند و اخبار آن را به امام می‌رسانندند. از این رو، امام عسکری علیه السلام از پس پرده با اصحاب خود سخن می‌گفت و ارتباط خود را کاهش داد.<sup>۱</sup>

به طور مشخص، عثمان بن سعید از زمان امام هادی علیه السلام امر وکالت را به عهده داشت و امور سایر وکلای اداره می‌کرد و اطلاعات و اخبار را در اختیار امامان می‌نهاد تا در صورت لزوم، از طریق توقعات پاسخ داده شود. برای نمونه، می‌توان به تعداد فراوان نامه‌های امام هادی علیه السلام اشاره کرد. (نزعلی، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۳۲) و یا به نامه امام عسکری علیه السلام در پاسخ به قمی‌ها اشاره کرد. (صدقوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۵۴)

در این مدت، انحراف برخی وکلا و فرهیختگان و در رأس آنها شلمغانی بدون آنکه بتواند موجب پدید آمدن فرقه شود، با قاطعیت از طرف امام عسکری علیه السلام و امام زمان و نیز مدارس علمی شیعیان، از میان رفت. وجود مدارس حدیثی قم، کوفه، بغداد، ری، سمرقند، نیشابور و نقاط دیگر به همراه صدھا تألیف ارزنده در علوم مختلف و در برابر پرسش‌های مطرح در جامعه، نشان‌دهنده یک خیزش علمی و نشر معارف در این بلاد است که نمونه آن مرحوم حمیری است که بیشترین نوشته‌ها را با عنوان مسائل جمع‌آوری نموده است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۳) اوضاع اجتماعی و اقتصادی

هر چند با حضور امامان در بغداد و سامرا، شیعیان نمی‌توانستند حضور

۱. البته برخی اصحاب نیز نسخه‌هایی را از امام نوشته‌اند که سالها بعد آن را نشر داده‌اند. (نجاشی، ص ۲۹۷ و ۳۰۴)

۲. مسائل الرجال و مکاتباتهم أبا الحسن الثالث علیه السلام، مسائل لأبی محمد الحسن علیه السلام علی ید محمدبن عثمان العمري، کتاب قرب الإسناد إلى صاحب الأمـلـاـلـ، مسائل أبی محمد و توقعات. نیز نک: نجاشی، ص ۴۶۱۹۱. ۱۶۱، ۲۸۱.





اجتماعی چشمگیری در کنار امامان داشته باشند، با این همه، در تمام این دوران، اهل بیت خصوصاً هنگام خروج امام به سمت دارالامارة از سوی مردم اکرام و استقبال می‌شدند. (خر علی، موسوعة الإمام العسكري عليه السلام، ج. ۲، ص ۱۱۷) در شهرهای دیگر نیز فعالیتهای اجتماعی مانند ارتباطات گسترده با سازمان وکالت و حتی اداره برخی مناطق (نجاشی، ص ۳۷۱) در عالی ترین سطح انجام می‌شد.

گزارش‌های مفصل شیخ طوسی و مرحوم نجاشی از بغداد، کوفه، بصره، سمرقند، کش و قم، گویای فعالیتهای علمی فراوان شیعی، در آن مناطق و پیدایش زمینه‌های مناسب برای آن در زمانی پیشین یعنی دوران امامت امام عسکریین عليهما السلام و دوره پیش از آغاز غیبت صغیری دارد. (نجاشی، ص ۳۵۰؛ شیخ طوسی، الغيبة، ص ۳۵۴ و ۴۱۵)

### جمع بندی

تلashهای پیامبر برای ایجاد یک جامعهٔ توحیدی بستر مناسبی برای فراگیری معارف الهی فراهم نمود. پس از رحلت پیامبر، عناصر تاریخی به امام اهل بیت اجازهٔ تبیین عمومی موضوعات معرفتی را نداد؛ به جز در بررهای از زمان که گشایش سیاسی می‌توانست دستاویز خوبی باشد. (در تمام مدت حکومت امام علی عليه السلام خفقان سیاسی، نابسامانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مانع از بروز معارف گردید). تا آنکه به سبب تنشهای حدوداً بیست ساله سیاسی میان دورقیبی که هیچ‌گونه پشتونهٔ فکری و حیانی نداشتند، صادقین علیهم السلام با استفاده از شرایط و جایگاه اجتماعی خود، در پاسخ به نسلی پرسشگر، فرهیخته و پرتلاش، بنیانهای فکری نبوی را تبیین کردند و معارف را در سطوح مختلف آن انتقال دادند تا از همراه بودن همهٔ عناصر تاریخی بهرهٔ کامل را ببرند. از این رو، از مداخله در نزاع میان آن دورقیب پرهیز نمودند. بعدها معارف انتقالی نشان داد مواضع امامان تنها برخاسته از حقیقت وحی بود.

در دورهٔ بعد، علی رغم خفقان سیاسی، در سایهٔ فراهم بودن عناصر اجتماعی - فرهنگی پیشین، امامان در دو بعد نشر معارف و زدودن شباهات توفیق یافتند. بدین

ترتیب، هر چند خفقان سیاسی مانع از وسعت فعالیت امامان در دوره متاخر می شد، اما گسترش و تعدد عناصر تاریخی سبب شد تا اهل بیت با برنامه ای دقیق، فضای توسعه یافته علمی و خالی از شببه را در تمرینی شصت و اندی ساله برای دوران غیبت آماده سازند.

دقّت در این فرآیند، به خوبی نشان می دهد که سیر تبیین معارف اهل بیت، چگونه از اجمال به تفصیل و در سایه عناصر گوناگون تاریخی طی شده است، بی آنکه خللی به منظمه معرفتی شیعیان وارد سازد.

### منابع

قرآن کریم

الصحيفة السجادية، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.

۱. ابن ابی الحدید المعتزلی. شرح نهج البلاغه. قم: مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن الاثير الشیبانی، علی بن ابی الکرم. الكامل فی التاریخ. بیروت: نشر دار صادر.
۳. ابن حجر، احمد بن علی. تهذیب التهذیب. بیروت: نشر دارالفکر.
۴. ابن شهرآشوب، محمد. مناقب آل ابی طالب علیہ السلام. قم: مؤسسه العلامه للنشر، ۱۳۷۹ ق.
۵. ابن طاووس، سید علی. الامان. قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام، ۱۴۰۹ ق.
۶. ———. اللہوف. طهران: دار العالم (جهان)، ۱۳۴۸ ش.
۷. ابن قولویه قمی. کامل الزیارات. نجف: دارالمترضویة، ۱۳۵۶ ق.
۸. ابن کثیر دمشقی. البدایة و النهایة. بیروت: دار الفکر.
۹. ابن منظور. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابویریه، محمود. اضواء علی السنة المحمدیة. قم: اسماعلیان.
۱۱. ابوالفرج الاصفهانی. الأغانی. تحقیق: خلیل محی الدین، دار الكتاب المصریة، ۱۳۵۸ ق.
۱۲. احمدی میانجی. مکاتیب الانئمۃ علیہ السلام. قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۱۳. ———. مکاتیب الرسول علیہ السلام. قم: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. امینی، علامه عبدالحسین. الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب، مرکز الغدیر للدراسات، ۱۴۱۶ ق.



١٥. آل یاسین شیخ راضی. صلح امام حسن عسکری. مترجم: آیت الله خامنه‌ای، آسیا، ۱۳۴۸ ش.
١٦. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. طهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
١٧. ثقفی، ابراهیم بن محمد. الغارات. قم: دارالکتاب، ۱۴۱۰ ق.
١٨. جاحظ، عمرو بن بحر. البیان والتبیین. بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
١٩. ——— الرسائل الإسلامية. بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
٢٠. جباری، محمد رضا. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام. قم: مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سرمه، ۱۳۸۲ ش.
٢١. حرانی، حسن بن شعبة. تحف العقول. قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۰۴ ق.
٢٢. حمیری معافری، ابن هشام. السیرة النبویة. ابن هشام، بیروت: دار المعرفة.
٢٣. خزار قمی، علی بن محمد. کفایة الاثر. قم: دار بیدار، ۱۴۰۱ ق.
٢٤. خزعلی. موسوعة الإمام الهدی علیهم السلام. قم: مؤسسه ولی العصر(عج)، ۱۴۲۴ ق.
٢٥. ——— موسوعة الإمام العسكري علیهم السلام. قم: مؤسسه ولی العصر(عج)، ۱۴۲۶ ق.
٢٦. الديوه جی سعید. بیت الحکمة. مؤسسه دارالکتب، ۱۳۹۲ ق.
٢٧. ذهبی. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والأعلام. تحقیق: تدمیری، بیروت: دارالکتاب العربي، ۱۴۱۳ ق.
٢٨. سیطین جوزی. تذکرة الخواص. قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
٢٩. ——— کمال الدین. قم: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
٣٠. سید رضی. نهج البلاغه. قم: دارالهجرة للنشر.
٣١. شوشتی، نورالله. احراق الحق و اذہاق الباطل. قم: مکتبه آیت الله المرعushi، ۱۴۰۹ ق.
٣٢. شیخ مفید. الإرشاد. قم: المؤتمر العالمي للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
٣٣. صفار، محمد بن الحسن بن فروخ. بصائر الدرجات. قم: مکتبة آیة الله المرعushi، ۱۴۰۴ ق.
٣٤. طباطبائی، سید محمد کاظم. تاریخ حدیث شیعه. تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.
٣٥. طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج. مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
٣٦. طبری، محمد بن جریر. دلائل الإمامة. قم: دار الذخائر للمطبوعات.
٣٧. ——— المسترشد فی الإمامة. قم: کوشانپور، ۱۴۱۵ ق.



٣٨. عبدالله بن جعفر حمیری. قرب الإسناد. طهران: مکتبة نینوی.
٣٩. علامه مجلسی. بحار الأدوار الجامعة لدرر أخبار الانئمة الأطهار. بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق.
٤٠. قرشی، باقر شریف. حیاة الإمام الحسین علیہ السلام. قم: مدرسه ایروانی، ١٤١٣ ق.
٤١. کشی، محمدبن عمر. رجال الکشی. مشهد: دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ ش.
٤٢. محمدحسین، جاسم. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج). مترجم: آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، ١٣٨٥ ش.
٤٣. نجاشی، احمدبن علی. رجال النجاشی قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ١٤٠٧ ق.
٤٤. هیشمی، علی بن ابی بکر. مجمع الزواید و منبع الفوائد. تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دارالفکر، ١٤١٢ ق.
٤٥. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب. تاریخ یعقوبی. کاتب. نجف: مطبعة الغری. ١٣٥٨ ق.